

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه جهت دوّم:

بیان شد که بحث از جهت دوّم و بررسی مدلول هیئت امر باید در دو محور جداگانه پی گیری شود: یکی بحث از مدلول وضعی هیئت امر و دیگری بحث از مدلول ظهوری آن می باشد.

بیان محور اوّل: بررسی مدلول وضعی

شکی نیست در اینکه هیئت امر در لسان شارع، در مقام افاده معانی مختلفی استعمال شده است و بعضی از علمای اصولی مانند آمدی، موارد اطلاق صیغه امر را تا پانزده مورد ذکر کرده اند. ایشان در کتاب الاحکام^۱ می گوید: «اندیشمندان اصولی اتفاق نظر دارند بر اطلاق صیغه امر و استعمال آن در ازاء پانزده مورد:

۱- اعتبار وجوب مثل قوله تعالى «اقم الصلوة»؛ ۲- ندب و استحباب مثل قوله تعالى «فکاتبوهم»؛ ۳- ارشاد مثل قوله تعالى «فاستشهدوا»؛ ۴- اباحه مثل قوله تعالى «فاصطادوا» که بعد از حرمت صید مطرح می شود؛ ۵- تادیب؛ ۶- امتنان؛ ۷- اکرام؛ ۸- تهدید مثل اعملوا ما شئتم؛ ۹- انذار؛ ۱۰- تسخیر؛ ۱۱- تعجیز؛ ۱۲- اهانة و تحقیر؛ ۱۳- تسویه؛ ۱۴- دعاء مثل «اغفر لی»؛ ۱۵- تمنی.

و برخی دیگر از علمای اصولی تا هجده مورد و برخی نیز بیشتر از سی مورد برای اطلاق صیغه امر ذکر کرده اند^۲.

انّما الکلام در این است که:

آیا معانی مذکور برای هیئت امر، معانی موضوع له و حقیقی صیغه امر به نحو اشتراک لفظی هستند و صیغه امر برای فرد فرد آنها به صورت جداگانه وضع شده است؛

و یا اینکه تمام این موارد، افراد و مصادیق معنای موضوع له صیغه امر می باشند و صیغه امر به نحو اشتراک معنوی برای یک معنای عام وضع شده است که در تمام این افراد وجود دارد؛

۱ - ایشان در الاحکام، جلد ۲، صفحه ۱۴۲ می گوید: «و قد اتفق الأصوليون على إطلاقها بإزاء خمسة عشر: اعتبار الوجوب كقوله «أقم الصلاة» (لقمان ۱۷) والندب كقوله «فکاتبوهم» (النور ۳۳) والإرشاد كقوله تعالى «فاستشهدوا» (النساء ۱۵) وهو قريب من الندب لاشتراكهما في طلب تحصيل المصلحة غير أن الندب لمصلحة أخروية والإرشاد لمصلحة دنيوية و الإباحة كقوله «فاصطادوا» (المائدة ۲) والتأديب وهو داخل في الندب كقوله كل مما يليك والامتنان كقوله «كلوا مما رزقكم الله» (الأنعام ۱۴۲) والإكرام كقوله «ادخلوها بسلام» (الحجر ۴۶) والتهديد كقوله «اعملوا ما شئتم» (فصلت ۴۰) والإنذار كقوله «تمتعوا» (إبراهيم ۳۰) وهو في معنى التهديد و التسخير كقوله «كونوا فردة خاسئين» (البقرة ۶۵) والتعجيز كقوله «كونوا حجارة» (الإسراء ۵۰) والإهانة كقوله تعالى «ذق إنك أنت العزيز» (الدخان ۴۹) والتسوية كقوله «فاصبروا أو لا تصبروا» والدعاء كقوله «اغفر لي» (إبراهيم ۴۱) والتمني كقول الشاعر ألا أيها الليل الطويل ألا انجلي وكمال القدرة كقوله «كن فيكون» (النحل ۴۰)».

۲ - مثلاً در البحر المحيط فی اصول الفقه نوشته أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر الزركشي (المتوفى: ۷۹۴هـ)، جلد ۳، صفحه ۲۷۵ آمده است: «وترد صيغة " افعل " لنيف وثلاثين معنى» و سپس سی و سه معنا برای آن ذکر می کنند.

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

و یا اینکه برای یک یا چند مورد بخصوص از این موارد وضع شده است و استعمالش در سایر موارد علی نحو المجاز می باشد؛

و یا اینکه صیغه امر اساساً در هیچ کدام از موارد مذکور استعمال نشده است، بلکه مستعمل فیه در تمام این موارد معنای دیگری است و معنای مذکور چیزی جز دواعی مختلف برای استعمال صیغه امر در معنای موضوع له نمی باشند. در اینجا اقوال مختلفی در میان اصولیون وجود دارد.

بیان اقوال در مساله:

قول اوّل: صیغه امر در تمامی این موارد به نحو اشتراک لفظی وضع شده است. یعنی همانطوری که لفظ عین برای چندین معنا به اوضاع متعدّد وضع شده است، صیغه امر نیز برای هر یک از این معنای پانزده گانه به اوضاع متعدّد و به صورت جداگانه وضع شده است. این قول را شیخ طوسی «رحمة الله علیه» در العدة^۲ و غزالی در المنخول^۳ به جماعتی از علماء نسبت داده اند و علی التحقیق قائل به این قول خیلی مشخص نیست.

قول دوّم: صیغه امر به اشتراک لفظی برای چهار معنای وجوب، ندب، اباحه و تهدید وضع شده است و استعمال آن در سایر موارد علی نحو المجاز می باشد. لذا استعمالش در آن چهار معنا نیاز به قرینه معینه و در سایر موارد نیاز به قرینه صارفه دارد. این قول به اصولیون از واقفیه نسبت داده شده است.

قول سوّم: صیغه امر در خصوص وجوب، ندب و اباحه به اشتراک معنوی وضع شده است. چون معنای جامع موضوع له برای صیغه امر اذن در فعل است و اذن در فعل افرادی دارد. یکی اذن در فعل لزوماً، دیگری اذن در فعل ندباً و سوّم اذن در فعل اباحه. و امّا استعمال آن در غیر این سه مورد علی نحو المجاز است. این قول را بعضی به سید مرتضی «رحمة الله علیه» نسبت داده اند.^۴ چون سید مرتضی در الذریعة می فرماید صیغه امر مشترک بین امر و اباحه است.^۵ چنانچه مراد سید از کلمه امر همان اذن در فعل وجوباً و یا ندباً باشد این نسبت درست است و الاّ این نسبت درست نمی باشد.

^۲ - ایشان در عدة الاصول، جلد ۱، صفحه ۱۶۴ بعد از ذکر معنای مختلفی ای که برای صیغه امر ذکر شده است می فرمایند: «و قال جماعة من الفريقين: إن هذه الصيغة مشتركة بين جميع ذلك حقيقة فيه».

^۴ - ایشان در المنخول فی تعلیقات الاصول، جلد ۱، صفحه ۱۰۵ ابتدا می گوید: «اختلفوا في مفهوم صيغة الأمر ومقتضاه وهو قول القائل افعل» و سپس در مقام بیان اقوال می گوید: «قال بعضهم اللفظ مشترك بين هذه المعاني المحتملة كلفظ العين مشتركة في العين والميزان وعین الشمس والماء وغيرها».

^۵ - در بسیاری از کتب اهل سنت این قول به سید مرتضی «رحمة الله علیه» اسناد داده شده است مثلاً صاحب کشف الاسرار فی شرح اصول البزدوی در جلد ۱، صفحه ۱۰۸ می گوید: «و قيل بالمعنويّ، وهو أن يكون حقيقة في الإذن الشامل للثلاثة، وهو مذهب المرتضى من الشيعة فعلى هذين القولين يكون في التهديد مجازاً».

همچنین تفتازانی نیز در شرح التلویح علی التوضیح در جلد ۱، صفحه ۳۹۵ عین عبارت فوق را ذکر می نماید.

^۶ - ایشان در الذریعة، جلد ۱، صفحه ۳۸ می فرمایند: «و ذهب آخرون إلى أنّ هذه اللفظة مشتركة بين الأمر وبين الإباحة، وهي حقيقة فيهما، و مع الإطلاق لا يفهم أحدهما، إنّما يفهم واحد دون صاحبه بدليل، و هو الصّحيح». البته به نظر می رسد مراد ایشان مشترک لفظی می باشد.

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

قول چهارم اشتراک لفظی صیغه امر میان ایجاب و ندب است و این قول منسوب به شافعی^۷ است.

اقوال دیگری^۸ نیز مطرح شده است که ما نظر به عدم اهمّیت این اقوال تفصیلی از ذکر آنها اجتناب می کنیم.

و اما قول پنجم: قول محقق خراسانی^۹ «رحمة الله عليه». ایشان در کفایة الاصول می فرماید ما اصل استعمال صیغه امر در معانی مذکور را انکار می کنیم و می گوئیم صیغه امر در هیچ کدام از این معانی استعمال نشده است تا اینکه بحث کنیم استعمال آن در کدام یک از آن معانی حقیقت و در کدام مجاز است. بلکه به نظر ما صیغه امر در تمام موارد مذکور، یک مستعمل فيه بیشتر ندارد و آن طلب انشائی است. غایة الامر دواعی بر استعمال صیغه در طلب شیء مختلف می باشد. تارة داعی بر این استعمال، طلب حقیقی، بعث و تحریک اشخاص به انجام عمل است و تارة اخرى تهدید است و ثالثة تعجّب است و هكذا.

سپس در پایان می فرمایند^{۱۰}: نهایت چیزی را که می توان ادّعا نمود آن است که صیغه امر، برای انشاء طلبی وضع شده که به داعی بعث و تحریک اشخاص به انجام عمل صورت گرفته باشد و استعمال آن در انشاء طلب به سایر دواعی مجاز خواهد بود.

خلاصه کلام محقق خراسانی این است که: صیغه امر، فقط برای طلب انشائی به داعی بعث و تحریک وضع شده است و استعمال آن حتّی در طلب انشائی، چنانچه به سایر دواعی باشد و همچنین در غیر طلب انشائی، یا علی نحو المجاز بوده و یا غلط می باشد.

«و الحمد لله ربّ العالمین»

^۷ - غزالی در کتاب المستصفی فی علم الاصول، جلد ۲، صفحه ۱۹ می گوید: «و قد صرح الشافعي في كتاب أحكام القرآن بتردد الأمر بين الندب والوجوب».

^۸ - صاحب هداية المسترشدين «رحمة الله عليه» در صفحه ۱۴۱ ذیل کلام صاحب معالم «و قيل فيها اشياء اخر» به ذکر اقوال دیگری می پردازند: «منها القول بأنها للإباحة خاصة حکاه في الأحكام و منها القول بالاشتراك اللفظي بين الأحكام الخمسة و منها القول بالاشتراك بين الوجوب و الندب و الإباحة و التهديد و التعجيز و التكوين» و سپس در ادامه می فرمایند: «و لا جدوى في التعرض لها لندورها و وضوح فسادها و ظاهر ما حکي من الاتفاق يدفعها».

^۹ - ایشان در کفایة الاصول، صفحه ۶۹ می فرمایند: «إنه ربما يذكر للصيغة معان قد استعملت فيها و قد عد منها الترحي و التمني و التهديد و الإنذار و الإهانة و الاحتقار و التعجيز و التسخير إلى غير ذلك.

و هذا كما ترى ضرورة أن الصيغة ما استعملت في واحد منها، بل لم يستعمل إلا في إنشاء الطلب إلا أن الداعي إلى ذلك كما يكون تارة هو البعث و التحريك نحو المطلوب الواقعي يكون أخرى أحد هذه الأمور كما لا يخفى».

^{۱۰} - ایشان در ادامه عبارت قبل می فرمایند: «قصارى ما يمكن أن يدعى أن تكون الصيغة موضوعة لإنشاء الطلب فيما إذا كان بداعي البعث و التحريك لا بداع آخر منها فيكون إنشاء الطلب بها بعثا حقيقة و إنشاؤه بها تهديدا مجازا و هذا غير كونها مستعملة في التهديد و غيره فلا تغفل».